



گاہنامه قرآنی

نفس حق

کاتلون فیل آن و صیرت دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه
سال سوم / شماره هشتم / شهریور ماه ۱۴۰۰



رواایت نور



قایپو گرافی محرومی



کروونه گفتنی ها از ما، قضاوت باشما!



قلب یخی



در تاریخ ترین آسمان هاست که میتواند
درخشش ترین ستاره ها را دید...



دینی از نگاه دیگر مکاتب فکری



شیخ



عابورا، یک جریان مسترد
سرمشی دانمی برای اهت
اسلام است.

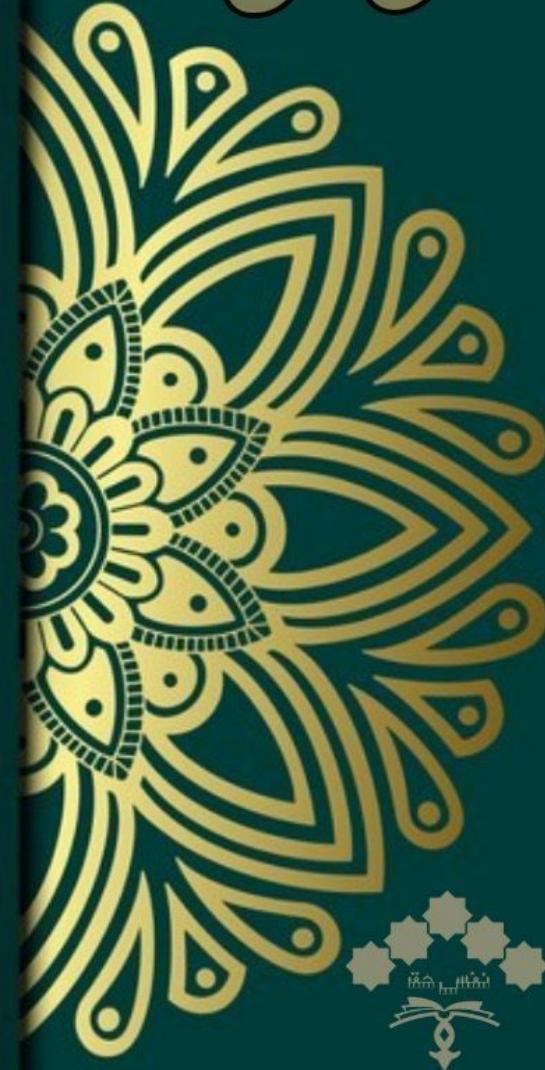


دانشگاه پرستاد

لعله شهر شیراز



نفس حق



شناخته

صاحب انتشار: کانون قرآن و عترت دانگاه علوم پزشکی تبرت حیدری
دیر مسئول: فاطمه فاضلی اترم ۵ مامی
سردیز: سمسرا سینی پور اترم ۵ مامی
گرافیت و صفحه آزاد: رسانه چاچی اترم ۴ پرستاری
ویراستار: سمسرا سینی پور اترم ۵ مامی

همیلت تحریره

فاطمه سلمانی اترم ۵ فاوردی ایجاد اعلاف ملامت
علیم رضاعباسی مزاد اترم ۳ پرستاری
علاءه عباس زاده اترم ۳ پرستاری
فائزه ابراهیمی اترم ۳ بهداشت عمومی
فاطمه رضایی اترم ۳ پرستاری
فاطمه رزم آسا اترم ۳ پرستاری
محمد حسن زاده اترم ۴ ویراست پزشکی
علیه فخرنده سام اترم ۳ بهداشت عمومی
الساکری اترم ۳ مامی
علیم رضاحمدی اترم ۳ پرستاری
فاطمه سلم زاده اترم ۳ پرستاری

نهر سوت

به قلم سردیز

تاپوگرافی محرمی

عاشرها از نگاه فرهنگ

روایت نور

شفاعت گردن در روز قیامت

قلب یخی

کرونا؛ گفتگوها از ما، قضاؤت با شما!

دین از نگاه دیگر مکاتب فکری

مثلث اعجاز

گره گشایی

در قاریکترین آسمان هاست که

می توان درخشان ترین ستاره ها را دید...

نافه صالح

آیینه تمام نمای الهی

ضامن رستگاری آدمی

یک فنجان کتاب

۵

۷

۹

۱۱

۱۳

۱۷

۱۹

۲۱

۲۳

۲۵

۲۷

۲۹

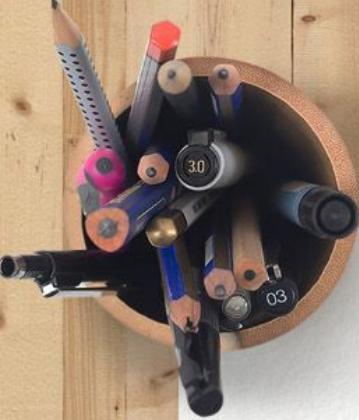
۳۱

۳۳

۳۵

راه ارتباطی با ما

nafashagh97@gmail.com



۵۰ هر فکر مسروط



شروعتی که در آن حکم‌ها قیاسی نیست
خدا کسی که از آن سخت می‌هراسی نیست

که خودشناسی تو جز خداشناسی نیست
خطا نکردن ما غیر ناسپاسی نیست
«فضل نظری»

رسیده‌ام به خدایی که اقتباسی نیست
خدا کسی است که باید به دیدنش برویم

فقط به فکر خودت باش، ای دل عاشق
به عیب‌پوشی و بخشایش خدا سوگند

با عرض سلام و ادب خدمت شما دوستان عزیز و همراهان محترم نشریه نفس حق. همان‌طور که می‌دانیم، در زمانی زندگی می‌کنیم که انواع تبلیغات، توطئه‌ها و انحرافات، فطرت، عقل و دین انسان‌ها را مورد تهاجم قرار داده است. جای تردید نیست که هرجه تاریکی پیشتر شود، به نور پیشتری نیاز داریم و هرجه امواج خطرناک‌تر شوند، کشته مطمئن‌تری لازم است.

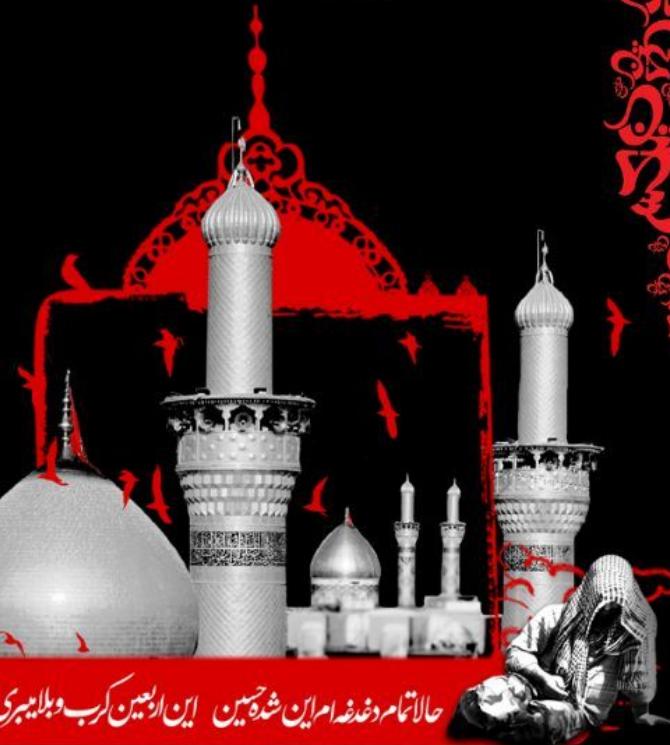
قرآن، سوره‌الهی و پیامبر (ص) و اهل بیت او (ع) کشته نجات‌های است، ولی بهره‌گیری از این دو سرچشممه‌ی زلال، نیاز به شناخت و ایمان دارد؛ لذا باید به سراغ قرآن برویم، اما نه در حد تلاوت و تجوید، بلکه در حد تدبر و تفسیر و بالاتر از آن، در حد عمل و تبلیغ.

ماه محرم، حریم ایمان و حصار قرآن است. در این ماه، نام امام حسین (ع) و قمه عاشورا ورد زبان‌هاست، قصه‌ای که تکرار تاریخ هم‌غبار فراموشی برآن نمی‌شاند. زمانی که در مسیر عاشقی سید الشهداء قرار گیرید، بسی تردید از طوفان سهمگین و گرداب‌های خطرناک زندگی به سلامت عبور خواهید کرد و سرنوشتی جز سعادت در دنیا و آخرت نسبت شما نخواهد شد؛ اما ماه محرم امسال باشدت یافتن بیماری کرونای، با دیگر سال‌ها تفاوت اساسی دارد. با توجه به وضعیت موجود، برگزاری مراسم عزاداری امام حسین (ع) با محدودیت‌هایی روبروست و خطرهایی جدی در پیش داریم که تنها با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی می‌توان تا حدی از ابتلاء این بیماری جلوگیری کرد.

در این شماره از نشریه، به موضوعاتی از قبیل بررسی ابعاد فرهنگی قیام امام حسین (ع)، بررسی دیدگاه‌های متفاوت و بعض مخالف با دین اسلام، جایگاه امید و توسل در قرآن و زندگی امروزه، سه مورد دیگر از اعجازهای قرآنی، عواملی که باعث قساوت قلب و سنگدلی بعضی از انسان‌ها می‌شود، بررسی سلامت روان و شناخت کامل انسان از دیدگاه قرآن و هم‌جنین موضوعاتی دیگر پرداخته‌ایم تا ان شاء الله بتوانیم نقشی جزئی اما پورنگ در جهت افزایش دانش معنوی شما داشته باشیم.

در پایان، متشرکریم از اینکه وقت گران‌بهای خود را صرف مطالعه‌ی شماره هفتم از این نشریه گردد ایم. امیدواریم با ارتقا طبیعت و تعامل دو سویه، روزبه روز بر غنای این نشریه افزوده شود و به اهداف خود نزدیک‌تر شویم. در همین راستا، پذیرای نظرها و پیشنهادهای شما همراهان صمیمی این نشریه هستیم.





حالات مردم غدیر ام این شجاعین این اربعین کرب و بلایه بری مرا؟

روایت نور



آه از امشب و غوغای دل بی تاب زینب،
آه از غربت دشت نینوا و صحراء عطر هیبت،
از گونه سرخ و چشمہ اشک یتیم سه ساله ابی عبدالله
از نفس حقت یا حسین،
از شوری که در دل و جانم نهادی...!
تو فریاد مظلومیت در جهانی، صدای مردانگی در دنیا...!
صدای سه عاشق ترین سوار دنیا که بی سواره راهی خیمه شده را می شنوم...!
شرمندگی در چشمان اهل شهر می رقصد و زانو خشم می کنند از ندامت نامردمی
شان...!
خورشید، نadam از طلوعش در میان بیشهزار آسمان راه گم می کند و کوله غم بر
دوش می اندازد و چه غروبی غم انگیزتر از عاشورا...!
کلمات اما چگونه راوی داستان تو باشند...!
در کدام کتاب می شود روایت را جای داد،
سخنی پر از عطش، که خاطرش در جانم بغضی می نهد و چشمم را مست...!
روایت چادر بانویی که از صبرش شعرها سرودهند و از شجاعتش مردانی به زانو
خمیده...!
داستان برادری از دیار معرفت، در رکابش مریدانی جان می دهند و در ثنايش
ستارگان شیون...!
صدای کودکی از جنس باران در آغوش خدا...!
تو و کربلایت،
به عظمت و بزرگی معنا می بخشید و معرفت را جان می دهید...!



ماشیح از زنگاه فرهنگ



برسی ابعاد فرهنگی عاشورا و واقعه کربلا

هرگاه سخن از عاشورا و قیام امام حسین(ع) می‌شود، می‌توان سه قسم موضوع را بررسی کرد:

اول: خود قیام امام حسین(ع) از آغاز تا اصرار عاشورا.

دوم: جریان پس از قیام امام حسین(ع) که از عصر عاشورا آغاز شده و تا امروز هم ادامه دارد.

سوم: حواشی و سنت بعدی این قیام، مواردی مانند گریه بر حسین(ع)، حب اهل بیت و امام حسین(ع)، سنت‌های عزا، خیل بسیاری از جوانان دیده می‌شوند که شور و شعور حسینی در ایام نوجوانی و جوانی، منجر به پذیرش و درونی گرفته شده اند.

حول موضوع عزای امام حسین(ع) در واقع هریک از این سه موضوع، تأثیرات زیادی در دوره‌های بعدی خود داشته‌اند. از یک سو، خود قیام و فلسفه‌ی آن، سخنرانی‌های امام(ع)، رویدادهای تاریخی و وقایعی که منجر به قیام و در نهایت شهادت امام(ع) و یارانش شده است.

از سوی دیگر، اتفاقات تاریخی که پس از شهادت امام روی داد و از عصر عاشورا با محوریت حضرت زین(س) و امام سجاد(ع) آغاز شد و پس از آن با قیامها و جریانات گوناگون ادامه یافت. در انتهای سنت‌هایی که پیامبر و حجول موضوع عاشورا شکل گرفته است. این سه موضوع بر جریانات ہوتی فرهنگی این سنت‌های است. این سه موضوع بر جریانات ہوتی فرهنگی شیعه و بالاخص ایرانیان دوستدار اهل بیت(ع)، تأثیرات بسیاری تهاده است.

حال که از یک سو، هوت فرهنگی و از سوی دیگر، موضوع عاشورا و بعد از آن شناخته شد، می‌توان به نقش عاشورا در ساخت هوت فرهنگی ایرانیان پرداخت. بدینمنظور، برخی از مهم‌ترین ساختهای هوت فرهنگی متأثر از عاشورا (در هر سه بعد) مورد بررسی و اشاره قرار می‌گیرد:

است. این سنت‌های عزا بعضاً بر سایر ساختهای اجتماعی اثرگذاری عمیق بر اسطوره‌های ایرانیان شیعه است. ایرانیان که از دریاز اسطوره‌های خود را در قالب ادبیات رخته بودند، در طول تاریخ آرام ارام واقعه‌ی عظیم عاشورا را نیز به باورهای اسطوره‌ای خود وارد کردند و آن درآمدیختند. تا جایی که بسیاری از شخصیت‌های عاشورایی، امروز به تمادهای اسطوره‌ای تبدیل شده‌اند.

امام حسین(ع) مظہر عبادت، عبودیت، رہبری و ایستادگی، حضرت ابوالفضل(ع) مظہر وفاداری، استقامت و قدرت، حضرت زینب(س) مظہر صبر و مقاومت و ایشار... در حقیقت، یکایک شخصیت‌های عاشورا در طول تاریخ برای ایرانیان جایگاه اسطوره‌ای و تمادین یافته‌اند که این امر تأثیرات عمیقی بر هوت و شخصیت‌های ایرانی داشته است.

الگوگری و شبیه‌سازی به اساطیر و بزرگان، همواره یکی از راه‌های هوتی ایشان و ساخت شخصیت است؛ چراکه انسان به دنبال کمالات و خوبی‌های است و یافتن این خوبی‌ها در اساطیر ممکن است.

تفکیک دقیقی بین افسانه و اسطوره وجود دارد. افسانه‌ها ریشه در واقعیت ندارند و ساخته و پرداخته ذهن انسان هستند، هرچند که افسانه‌ها نیز از تیازهای زمان خود وام گرفته شده‌اند، اما اساطیر ریشه در واقعیت ندارند و پیوند عمیقی با تجربه ای زیسته انسان برقرار می‌کنند و خود را در نسل‌های گوناگون با تعریف کرده و مبتلور می‌شوند.

باورها و اعتقادات: هرچند ایرانیان بواسطه‌ی عشق به امام علی(ع) مذهب شیعه را به راحتی پذیرفتند، ولیکن نقش عاشورا نیز در پذیرش و تعمیق این مذهب در ایرانیان غیرقابل انکار است. واقعه‌ی عاشورا به دلیل جنس خاص خود(مظلومیت، حق طلبی، آزادگی، پلهوانی...) با ساختار فرهنگی ایرانیان قدیم همخوانی زیادی داشته و لذا سیاری از عزا و مذهبی شده است.

دیگر گاه و دروازه‌ی عاشورا پذیرفته یارونی کردند. امروز نیز خیل بسیاری از جوانان دیده می‌شوند که شور و شعور حسینی در ایام نوجوانی و جوانی، منجر به پذیرش و درونی گرفته شده است.

صفات اجتماعی ایرانیان: فرهنگ هر جامعه از دو بخش فرهنگ عمومی و خودفرهنگ‌ها تشکیل شده است. فرهنگ عمومی براساس شناخت عمومی که یکی از اقسام شناخت و جامعه پذیری در جامعه است حاصل می‌شود. آنچه از آن به عنوان صفات اجتماعی بخالقیات ایرانیان یاد می‌شود ریشه در فرهنگ عمومی ایران دارد. فرهنگ عمومی، خود از مجموعه‌ی ارزش‌ها و هنجره‌ها و سایر پدیده‌های اجتماعی ساخته شده است. این ارزش‌ها و هنجره‌ها روحیات جامعه را شکل می‌دهند.

یکی دیگر از تأثیرات عاشورا بر هویت فرهنگی ایرانیان، نقش از سوی دیگر، شکل گرفتن فرهنگ‌های گوناگون عزا مناسب با مقتضیات هر فرهنگ، نشان از دردهم تئید شدن موضوع عزا است. فرهنگ ایرانیان داشته است. به‌گونه‌ای که امروزه در ایران تنوع و تکثر بسیار گوناگون عزاداری در ساختهای مختلف دیده می‌شود. لذا می‌توان گفت عزاداری برای عاشورا، یکی از و تکون یافته‌اند.

منبر: فرهنگ منبر و منبرشنی به عنوان یک رسانه‌ی اجتماعی عمومی و فایبر، به یک بخش جدایی‌ناپذیر از هوت فرهنگی، جامعه‌پذیری، اوصاف فردی و اجتماعی ایرانیان تبدیل شده

است و حتی به نحوه ارتباطات و تعاملات بین فردی ایشان نیز شکل می‌دهد.

فرهنگ شهادت‌طلبی، ایشان و غیره: فرهنگ شهادت‌طلبی، که تمنوی بارز آن در انقلاب و جنگ تحملی دیده شد، از مؤلفه هایی است که کاملاً ریشه در عاشورا دارد. صرفاً کافی است به شعارها، فضای گفتگویی و گفت‌وگویی جامعه در آن دوران نگاهی بیندازیم تا تأثیر عاشورا بر این حوزه‌ها مشخص گردد.

در کنار این حوزه‌ها، می‌توان مثال‌های بسیار دیگری نیز بر شمرده که عاشورا بر آن‌ها تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم گذاشته است. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که عاشورا بدون شک تأثیر عمیقی بر هوت فرهنگی ایرانیان گذاشته و جزء لاینک فرهنگ ایرانی-اسلامی ما شده است.

است. این سنت‌های عزا بعضاً بر سایر ساختهای اجتماعی نیز تأثیر گذاشته‌اند. به عنوان مثال، تأثیرات هیئت‌های خانگی با خانه بر موضوعاتی چون تعاملات اجتماعی، ارتباطات، انتقال ارزش‌ها، ازدواج... بسیار شکر و عمیق است. در حقیقت می‌توان گفت امروزه سنت گوناگون عزاداری، خودشان شکل‌دهنده و بازسازی‌کننده حوزه‌های مختلف هویتی جامعه ایرانی شده‌اند که بررسی و پرداختن به این موضوع، فرست دیگری می‌طلبد.

زبان: عاشورا بر زبان عمومی مردم ایرانیان بوده و بسیاری از گزاره‌های مورده استفاده در ادبیات عامه از مفاهیم مرتبط با عاشورا استخراج شده است که نشان از پیوند عمیق عاشورا و هویت فرهنگی مردم دارد. عبارت‌هایی مانند صحرای کربلا راست حسینی، سلام دادن بر ایاعبدالله بعد از توشیدن آب... از جمله این عبارت‌های است.

زبان و فرهنگ و اندیشه پیوند عمیقی با یکدیگر دارند. انسان ها در راستای زبان خود می‌اندیشند و پویایی و تحول زبان ناشی از پویایی فرهنگ‌های است. وقتی موضوعی وارد زبان می‌شود، یعنی برای آن لغت تعریف شده و استعمال می‌شود. بدین معناست که در عمق ذهن انسان‌ها وجود دارد، در زندگی آن نقش داشته و بر آن تأثیر نیز دارد. عاشورا و عناصر آن در زبان ما متبلور است. بنابراین در عمق ذهن انسان‌ها و زندگی آن‌ها حضور دارد و وارد بر متن زندگی شده است.

ادبیات و هنر: ادبیات یکی از مهم‌ترین طرفه‌های تبلور عناصر فرهنگی است که به دلیل هنر، زیبایی و بعد لذت‌گیری که دارد، پرداخته شده و هویت‌سازی می‌کند. مهم‌ترین نیز در پذیرش و تعمیق این مذهب در ایرانیان غیرقابل انکار است. واقعه‌ی عاشورا به دلیل جنس خاص خود(مظلومیت، حق طلبی، آزادگی، پلهوانی...) با ساختار فرهنگی ایرانیان های همخوانی زیادی داشته و لذا سیاری از عزاداری از مردم دین خود را در نسل‌های گوناگون با تعریف کرده و مبتلور می‌شوند.

باورها و اعتقادات: هرچند ایرانیان بواسطه‌ی عشق به امام علی(ع) مذهب شیعه را به راحتی پذیرفتند، ولیکن نقش عاشورا نیز در پذیرش و تعمیق این مذهب در ایرانیان هستند، هرچند که افسانه‌ها نیز از تیازهای زمان خود وام گرفته شده‌اند، اما اساطیر ریشه در واقعیت ندارند و پیوند عمیقی با تجربه ای زیسته انسان برقرار می‌کنند و خود را در نسل‌های

همه‌ترین سنت‌های ایرانیان است. این سه قسم موضوع عاشورا در ساختهای ایرانیان پرداخت. بدینمنظور، برخی از مهم‌ترین سنت‌هایی که پیامبر و حجول موضوع عاشورا شکل گرفته است. این سه موضوع بر جریانات ہوتی فرهنگی این سنت‌های است. این سه موضوع بر جریانات ہوتی فرهنگی شیعه و بالاخص ایرانیان دوستدار اهل بیت(ع)، تأثیرات بسیاری تهاده است.

حال که از یک سو، هوت فرهنگی و از سوی دیگر، موضوع عاشورا و بعد از آن شناخته شد، می‌توان به نقش عاشورا در ساخت هوت فرهنگی ایرانیان پرداخت. بدینمنظور، برخی از مهم‌ترین سنت‌هایی که پیامبر و حجول موضوع عاشورا در هر سه بعد) مورد بررسی و اشاره قرار می‌گیرد:

منبر: فرهنگ منبر و منبرشنی به عنوان یک رسانه‌ی اجتماعی عمومی و فایبر، به یک بخش جدایی‌ناپذیر از هوت فرهنگی، جامعه‌پذیری، اوصاف فردی و اجتماعی ایرانیان تبدیل شده



شفاعت کردن در روز قیامت



کسی که با مشکلی در زندگی روبه رو می‌شود، گاهی به طور مستقیم از خدای بزرگ کمک می‌گیرد و گاه از واسطه‌ها کمک می‌طلبد؛ مثلاً به مکه می‌رود و از زیارت کعبه و حجرالاسود با حجر اسماعیل، یا از زیارت روضه در مدینه منوره برای دستیابی به اهداف الهی خود کمک می‌گیرد. البته خدای بزرگ در همچنان حضور دارد، ولی انسان با تبرک و توسل به این مکان‌ها به او تقرب می‌جودید و خود را بیشتر مشمول عنایات الهی می‌کند.

توسل در لغت به معنای «تقریب و نزدیکی» در اصطلاح به معنی «واسطه قرار دادن» است. واسطه قرار دادن افراد صالح و مقرب در گاه خدا و امور خیر، به منظور پراورده شدن درخواست و حاجت. در فعل توسل، انسان به هنگام دعا به درگاه پروردگار چیزی عرضه می‌کند تا واسطه‌ای برای پذیرش توبه و احیات دعا است. شخص یا امر محل توسل، هر شخص یا کاری است که نزد خداوند ارج دارد؛ مانند صفات و اسمای پروردگار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، دعای او یا اولیاء و فرشتگان. حاجت و دعای درخواست شده می‌تواند امری دینی و معنوی یا دنیوی و مادی باشد.

توسل در قرآن کریم

ایاتی چند در قرآن کریم در باب توسل نازل شده‌اند. با مطالعه‌ی این آیات می‌توان به این پی برد که توسل به افراد مقرب در گاه الهی به خصوص پیامبران و معمومین، نه تنها شریک قرار دادن برای خدا و یا حتی نکوهیه نیست، بلکه عملی بسیار ارزشمند و موجب نزدیکی و تقریب بیشتر به خداوند است؛ به گونه‌ای که صراحتاً به آن توصیه شده است.

به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

سوره مائدہ آیه ۲۵

قرآن کریم مومنان را به توسل توصیه کرده و در سوره مائدہ به روشن‌ترین حالت ممکن به آن اشاره کرده است؛ چنان‌که می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَيْنَاكُمْ رَحْمَةً قُوَّةً لِّفَوْزِ الرَّجِيمِ
شَرِيكِهِ لِعَلَّكُمْ تَطَلَّعُونَ»
ای کسانی که ایمان اور دهادی، از خدا پروا کنید و به او تَوَسِّل و تقریب جویید و در راهش جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

در این آیه روی سخن، به افراد با ایمان است و به آن‌ها سه دستور برای رستگار شدن داده شده است:

۱. نخست ایشان را به تقوی الهی و پرهیز از گناهان توصیه می‌کند.
۲. سپس دستور می‌دهد که وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمایید: **«وَاجْهِهُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»**
۳. سرانجام دستور به جهاد در راه خدا می‌دهد: **«وَجَاهِهُوا فِي الْغَلُوكَمْ تَفْلِيْخُونَ»**

بنابر این آیه، وسیله گرفتن برای تقرب به خداوند عملی جایز است که حتی می‌تواند موجب رستگاری انسان شود. چون این وسیله معنی عام دارد. قرار دادن افراد به عنوان وسیله نیز جایز است.

سوره نساء آیه ۶۴
در این آیه به گناه‌کاران توصیه شده که نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بروند و از او بخواهند برایشان استغفار کنند تا خداوند آنان را بیامزد.

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِتَطْعَمَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْلَا أَنَّهُمْ إِذْ طَلَّبُوا أَنْفَسَهُمْ
چاوزک قات‌شکرفا الله و اشتکر لهم الرشول لوچدوا الله توابا زحیما «
و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای آنکه به خود ستم کردند از راه فرمان برده شود و اگر آنان هنگامی که به خود ستم کردند از راه خود برگشته و نزد تو می‌آمدند و از خداوند مفترت می‌خواستند و پیامبر هم برای آنان استغفار می‌کرد قطعاً خداوند را توبه‌پذیر و مهربان می‌باشند.

از این آیه می‌توان دریافت که خداوند به واسطه‌ی استغفار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گناه‌کاران را بخشیده و توبه‌ی ایشان را می‌پذیرد. البته باید توجه داشت پیامبر بخشنده‌ی گناه نیست بلکه واسطه‌ی عفو الهی است و بخشنش تنها به آن خداوند صورت می‌گیرد.

سوره یوسف آیه ۹۷

در جریان قضیه‌ی حضرت یوسف (علیه السلام) زمانی که فرزندان یعقوب یوسف را در چاه انداختند، به نزد پدر خوبش، حضرت یعقوب (علیه السلام) آمده و اظهار ندامت کرده و گفتند:

«قَالُوا يَا أَيُّهَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذَنْبُنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ»
(فرزندان) گفتند: ای پدر! برای گناه‌مان (از خداوند) طلب آمرزش کن که بدراستی ما خطکار بودیم.

قرآن می‌فرماید که حضرت یعقوب برای فرزندانش استغفار کرد:

«فَلَمْ سُوْفَ اسْتَغْفِرَ لَكُمْ رَبِّنِي إِنَّهُ قُوَّةُ الْفَقْوَرِ الرَّجِيمِ»

«گفت: به زودی از پروردگارم برای شما آمرزش می‌خواهم که او همانا آمرزشند مهربان است!» (سوره یوسف، آیه ۹۸)

از آیات فوق استفاده می‌شود که تقاضای استغفار از شخص دیگر نه تنها منافات با توحید ندارد، بلکه راهی است برای رسیدن به لطف پروردگار، و گزنه چگونه ممکن بود حضرت یعقوب (علیه السلام) که خود پیامبر خداست، تقاضای فرزندان را دائر به استغفار برای آنان پذیرد، و به توسل آنها پاسخ مشیت دهد.

آثار توسل در زندگی

۱. اظهار محبت و عمل به وظیفه ایمانی

عقیده به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت و محبت به آنان، جزء ایمان است و همان‌گونه که اعتقاد به خدا واجب است، اعتقاد به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت او نیز واجب است. از این رو توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خاندانش نوعی اظهار محبت و تعظیم است.

با توسل، محبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت او در دل‌ها زنده می‌شود و هرگز از بین نمی‌رود و زنده شدن محبت آن‌ها، وظیفه ایمانی هر مسلمانی است. بدین‌جهت است که انجام دادن واجب یا حفظ آن، موجب تقرب به خداست. پس همان‌گونه که انسان با نماز و روزه به خدا نزدیک می‌شود، با اظهار محبت به اولیاء الهی، که این محبت ورزی در واقع اطاعت از خداست، به خدا می‌رسد. بدین لحظه در زیارت حضرت امام رضا (علیه السلام) می‌گوییم:

«اللَّهُمَّ اتَّقْرَبْ إِلَيْكَ بِحَتْهِمْ وَ لَوْلَيْهِمْ»

«خدایا، با محبت و ولایت آنان به تو نزدیک می‌شوم.»

۲. توسل و ایجاد امدادواری بیشتر
توسل مایه امید و حرکت بیشتر در رسیدن به کمالات معنوی می‌شود. مقامات
باند پیامرس اکرم(صلی اللہ علیہ و آله) و عترت او و سایر ایمان نزد خداوند تعالیٰ، آنها
را در قله‌های معنوی فرار داده است و در مقام فرب الی، نام و نیاد آنها و توسل
به آنها مشکل گشاست. پاری جستن از ایشان، پیروان آنها را تشویق می‌کند که
مثل آنها زندگی کنند و کارهای نیکی انجام دهند و در آنها امید به پیشرفت و
حرکت سیر آنها که همان راه رسیدن به خداست، ایجاد می‌کند.

اقسام توسل

گرفته است، گنایه آنان که توبه کردند و راه (رضای) تو را پیمودند بپخش و آنان
را از عذاب دور محفوظ دار»
هوجین، مؤمنان در حق برادران مؤمنی که در ایمان پیش گرفتهند دعای می
کنند:

«الَّذِينَ جَاءُوكُمْ بِذَهَبٍ يَوْلُونَ رُتْبَةً أَفْرَى أَنَا وَلِخَوَافِتِ الْيَمَنِ شَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ
وَلَا تَنْخُلْ فِي قَلْبِنَا غَلَّ الظِّنَنِ ائْتَوْنَا إِنَّكَ رَبُّ رَحْمَةٍ» (حشر/۱۰) و آنان
که پس از مهاجرین و انصار آمدند (معنی تابعین و سایر مؤمنین تا روز قیامت)
نایم به درگاه خدا در عرض می‌کنند: پروردگارا، بر ما و برادران دینیمان که در
ایمان پیش از ما شافتند بپخش و در دل ما هیچ کنه و حسد مؤمنان قرار
مده، پروردگار، توبی که بسیار رفوف و مهربانی»
۳. توسل به دعای پیامبر(صلی اللہ علیہ و آله) و اولای الرّبّی

شاید بعضی از ما، برخی از آثار گفته شده را در مراتب پایین تری تجربه کرده باشیم. صدای اذان را می‌شنویم و تمایلی برای نماز نداریم؛ برای گاهان خود توجیه می‌آوریم یا آن ها را کوچک می‌شماریم؛ از باد خدا غافل شده‌ایم و حب دنیا و آمال و آرزوهایش در قلبمان جای گرفته است. اما آیا این بینی معنی است که دچار قساوت قلب شده‌ایم؟ خیر، اما این‌ها می‌توانند زنگ خطری برای ما باشد تا بیشتر حواسان به خودمان و قلبمان که تنها جایگاه محبت و عشق به پرووگار است باشد.

درمان قساوت قلب از نگاه قرآن

معروف است که بهترین درمان، پیشگیری است. می‌توان گفت که قبل از دچار شدن به این بیلیه روحی، انسان باید حافظ و مراقب قلب خود باشد و از عوامل ایجاد قساوت قلب که به آن اشاره شد، دوری کند. اما اگر خدای ناگرده زمانی دچار قساوت قلب شد، باید به سرعت تشخیص داده و بی درمان آن برود و راه جولان شیطان را بنده.

از آیات قرآن کریم و رهنمدها و سفارش‌های اهل بیت(علیهم السلام) می‌توان برداشت کرد که بیاد و ذکر الهی بهترین داروی التیام بخش این مرض روحی است. بازگشت به حریم پروردگار و عادات دادن قلب و جان به بیاد و ذکر خدا، دل غافل و منجذب شده را صفائی دوباره می‌بخشد و با شکافتی آن، این فرست مجدد را فراهم می‌سازد تا چشم‌های اش از خوف مقام ریوی از آن خارج شود.

در بین تمام عادات، نزار که بالاترین ذکر و بیاد الهی است، می‌تواند بهترین کمک و درمان برای این حالت همان گونه که خداوند میراید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (سوره طه ۱۴)

«تماز را مخصوصا برای یاد من به پادار.»

در واقع مداومت بر نمازهای پنگاههای وادی آن با حالت توجه و خشوع نه تنها می‌تواند باعث پیشگیری از قساوت قلب و پیوند روحی انسان با پروردگار خود بشود، بلکه دل‌های قاسی را درمان کرده و باعث احیاء شدن روح انسان و هویت آسمانی او می‌شود. همان‌گونه که خداوند به کسانی که از او و دستوراتش پیروی می‌کنند، چنین بشارت داده است:

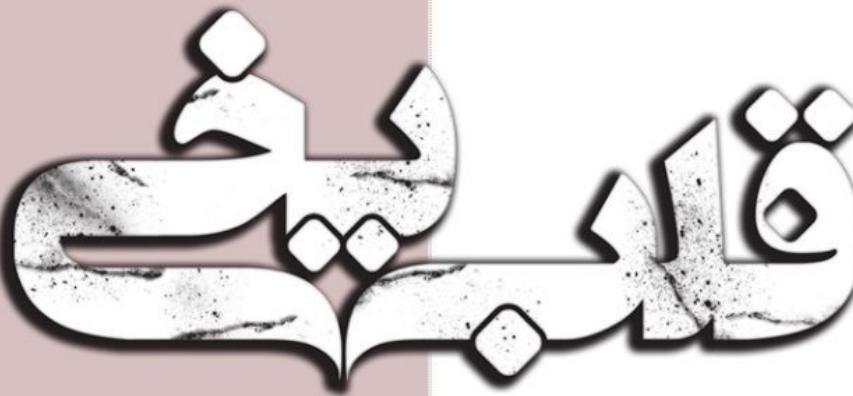
﴿وَجَعْلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ آتَيْنَا رَأْفَةً وَرَحْمَةً﴾ (حدید: ۴۷)

و در قلوب کسانی از او تعییت کردن، رأفت و رحمت را فرار دادیم.»

در قرآن و روایات مواردی به عنوان آثار قساوت قلب ذکر شده است. به عنوان مثال:

۱. انسان تمایلی به عبادت و مناجات با خداوند ندارد یا از آن لذت نمی‌برد.
۲. در برایر گناهان بی تقواست است و احساس پشیمانی نمی‌کند و شاید حتی میل به توهی در او خاموش شده باشد.
۳. آیات و نشانه‌های الهی را تذکیب کرده و دیگر احساس محبتی به اولیا خداوند در قلبش احساس نمی‌کند.
- از دیگر نشانه‌های آن می‌توان به موارد زیر اشاره

تضرع نکردن در برابر خداوند هنگام بلا
تحریف دین
دوری از مردم
اشک نداشتن چشم



آثار قساوت قلب

^۶ طبق ظاهر آیه فوق، پیمانشکنی همان‌گونه که می-

عوامل قساوت قلب

اصرار و مداومت پر گناہ

«فَلَوْلَا إِذْ جَاءُهُمْ يَأْسَنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسْتَ قُلُوبَهُمْ وَزَيَّبْ

لَهُمُ الشَّرْطُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام/٤٣)

«س، جا هنگام، که عذاب، به آنها رسید؛ اری، نک دند؟»

ولیکن دا هاشان سخت شد و شسطان آنجه، اکه انحصار م-

دادند، رای، آنها آ، است.»

ا: آیه جنی: پدافت که علت دجا شدن اب افاده

قساوت قلب، انجام دادن گناهانی بود که شیطان به ای آن‌ها

سا جلوه داده بود. تمام گناهان، که از حمله این امو

مساشرند، د، نهایت دا انسان، ا سخت کرده او، ا به قساوت

فیلڈ دھار مسکن

سماں شکنے

«فَمَا نَقْرِبُ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا هُنَّ عَلَيْنَا قَانِتُونَ» (ما يَدْعُهُمْ بِهِ) (١٣)

«سی ده سال پیش شکستن بهانشان آغاز می‌گشت خود

کردیم و دا هاشان را سخت گردانیده»

www.IBM.com/ibm

کرونا، گفتگو ها از ماقضای قضاوت با شما!

از طرفی می گویند مسافرت ممنوع است اما سفرهای هوایی و زمینی هم چنان برقرار است؛ نظارت بر اجرای پروتکل ها ضعیف است و این که با مخالفان سفرها برخورد قاطع نمی شود تاکسی جرئت سفر کردن هم نکند!

از سوی دیگر مراسمات مذهبی مثل عرفه و عزاداری حرم و... در بسیاری از موارد بدون رعایت هیچ گونه پروتکلی برگزار می شود و ظاهرا هیچ گونه نظارتی هم در این زمینه وجود ندارد.

پر واضح است از منظر اسلام حفظ جان یک انسان برابر با حفظ جان تمام انسان هاست و نباید جان انسان ها را به هیچ شکلی به خطر انداخت مخصوصاً به گونه ای که به نام دین تمام شود.

کاش بسترهای مجازی با کیفیت بسیار عالی فراهم می شد تا هم مردم بتوانند یاد عاشورا و سیدالشهداء(علیه السلام) را در این ایام گرامی بدارند، هم از ارتباطات حضوری حتی الامکان جلوگیری می شد تا باعث شیوع بیشتر ویروس نشود و عده ای مراسمات مذهبی را مقصر وضع اسف بار کنونی ندانند. برهمگان واضح و مبرهن است که در به وجود آمدن این اوضاع سخت، مردم هم سهمی دارند. همواره تعطیلی ادارات به دلیل کرونا منجر به افزایش سفرهای مردم و در نتیجه افزایش احتمال سرایت شده است. بسیاری از مردم هم در محیط های اجتماعی پروتکل ها را رعایت نمی کنند و دستیار این هیولای بی شاخ و دم شده اند. اما بی برنامگی و سردرگمی مسئولان تاثیر قابل توجهی بر شرایط حاضر داشته است. گویا کسی برای التصال های دغدغه مندان، تره هم خرد نمی کند!

آیا با مدیریت بهتر شرایط نمی توانست بهتر از این باشد؟

قضاؤت با شما...!



تقریباً دوسالی می شود که کوهی خاکی مادرگیر پیکار با هیولای تاجدار است. شمار کشتگان این حمله ویروسی را با قربانیان جنگ بین ملت ها مقایسه می کنند. هیولایی که هنوز هم تردید داریم که از کجا پیدایش شد؛ گاهی می گویند ووهان و گاهی هم آزمایشگاه های مخفی آمریکا! هر چه هست و از هر کجا آمده مهم نیست؛ مهم این است که ما چه واکنشی در برابر آن نشان داده ایم.

عده ای وجود کرونارا انکار کردند و برخی هم گفتند که راه نجاتی نداریم و زمان همه چیز را درست می کند. گروهی هم بر رعایت دستور العمل ها تاکید می کنند.

مدیران جامعه هم به زعم خود در تلاشند تا این ویروس افسار گسیخته را کنترل کنند. آن ها شهرها را رنگ بندی کردند، دستور ساخت واکسن داده اند، ممنوعیت مسافت ها را وضع کرده اند و فاصله گذاری اجتماعی را ضروری می دانند؛ اما پیکرهای کرونا نشان داد تدبیر امور باید به شیوه دیگری باشد.

اوپرای اسفباری داریم. شمار مرگ و میر و ابتلاء کرونا در حال افزایش است. (به نظر می رسد مسئولان از اوضاع کشور خبر ندارند که پیشنهاد انتقال تجربیات شان را به سایر کشورها می دهند!) تقسیر چه کسی است؟

مسئولان مردم را به دلیل رعایت نکردن پروتکل ها سرزنش می کنند. ملت هم انتظار وضع قوانین سخت گیرانه و برخورد با مخالفان را دارد. هزینه های بالای درمان، کمبود دارو و فروش واکسن های اهدایی توسط برخی سودجویان و سواستفاده گران در بازار آزاد، دیگر دغدغه مردم در این روزه است.

دین از نگاه دیگر
مکاتب فکری

مسیحی‌اند؛ هرچند در ظاهر مسیحی نباشند. با ارائه این نظریه شمول گرایانه، زمینه پیدایش یکورالیسم فراهم شد.

چیستی پلورالیسم دینی
پلورالیسم دینی را می تواری

- ۱- منظور از حقانیت ادیان، این است که اولاً اعتقادات همه آنها به طور نسبی صادق است و همچ دینی از حقانیت مطلق برخوردار نیست.
(بلورالیسم نسبی صدق)

(پلورالیسم نسبی صدق)

۲- پذیرش و تبعید به هر دینی جایز بوده و هیچ ترجیحی برای پذیرش دینی نسبت به دین دیگر وجود ندارد. (بیلوریسم اعتبار)

۳- همه ادیان از نظر سعادت و رستگاری پیروانشان تأثیر برابر دارند. (پلورالیسم نجات)

۴- منظور از حقانیت ادیان، بر حق بودن عرضی و هم زمان است؛ نه در طول زمان. به عبارت دیگر،

ادعا این بیست که ایین هر پیامبری در زمان خود بر حق بوده است؛ بلکه ادیان گوناگون در همه زمان‌ها و در عرض یکدیگر بر حق‌اند.

^۵ حقانیت ادیان، به طور مساوی است؛ نه دارای

مرائب سکیکی. به عبارت دیگر، براساس این انگاره، نمی‌توان «بر حق بودن» را در جهندی

کرد تا در پرتو آن؛ دینی، بهره‌مندی بیشتری از حقیقت کسب کند و دین دیگر، در رتبه فروتنر

ان فرار گیرد. بر اساس این انگاره، هیچ فرقی بین اسلام، یهودیت، مسیحیت و یا دیگر ادیان بزرگ

۶. منظور از حقوقیت ادیان، حقوقیت در جهات

مشترکشان نیست؛ بلکه ادیان - با اختلافاتی که دارند - بر حقد. به عبارتی دیگر، توحید اسلامی،

همان اداره بر حواله اینست که نتیجه مسیحی و
نوبت زرتشتی، برحق آنند و همه آنها همان بهره از
حقیقت را دارند که بی خدایی بودایی گرامی دارد.

55



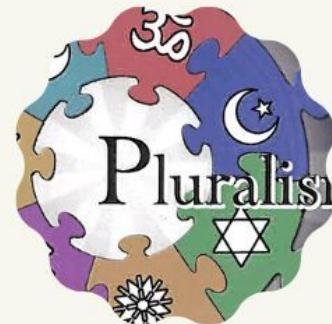
Pluto's Fish

[Privacy](#)

جوامع غربی سعی می کنند بدون کمک و استعانت از دین. زندگی دنیوی انسان ها را سر و سامان دهند و معتقدند که تائیر دین را فقط در جنبه شخصی و خصوصی انسان می توان دید. در این شماره به سه مورد از دیدگاه های مخالف دین اسلام می پردازیم:

پلورالیسم (کترنگاری، کترت گرایی) پلورالیسم به مکتبهایی مکتب فکری، دینی، فرهنگی و... گفته می‌شود که «حقیقت»، «جهات» و رستگاری را محصر در یک تفکر، دین، فرهنگ و... دانند، بلکه همه این مؤلفه‌ها را مشترک بین همه مکتبها بداند: به نحوی که در همه آن‌ها چه به صورت برابر و چه به صورت نابرابر توزیع شده است. بنابراین، هیچ فرهنگ، اندیشه و دینی بر سایر فرهنگ‌ها، اندیشه‌ها و ادیان، برتری ندارد و پیروان هر آینینی در صراط مستقیم هستند و همه آنها از جهات حقیقت و رستگاری برخوردارند. نسبت به دین، نظریه‌ای است که برخی از دانشمندان و متكلمين غربی با تأثیریدیری از دیدگاه خاصی در پاسخ به بعضی مسائل عقیدتی و همچنین برای حل برخی از مشکلات اجتماعی راهه می‌دهند.

پیشینه پلولایسم را شاید بتوان به نیمه قرن ۲۰ ارجاع داد. این مفهوم برای نخستین بار، در جهان مسیحیت مطرح شد که فرقه‌های گوناگون مسیحی با مهاجرانی مواجه شدند که در دیرین مسیحیت، گردن نمی‌نہادند، ایستادگی آن‌ها که متكلمان مسیحی را به جالش کشاند؛ آن‌ها که قرن‌ها شعار می‌دادند بیرون از کلیسا هیچ نجاتی وجود ندارد، می‌دیدند در پیروان ادیان دیگر انسان‌های صالح وجود دارد. به این ترتیب در جنگ جهانی دوم، کارل راتر متكلم کاتولیک این نظریه را مطرح کرد که برخی "مسیحیان بی‌نامند" یعنی کسانی که زندگی و اخلاق خوبی دارند، در حقیقت



مثلث اعجاز

آن پیک نامور که وسید از دیار دوست
آورده چرخ چان ز خط منکبار دوست

اعجاز علمی قرآن، اشاراتی است گذرا که به برخی از اسرار طبیعت نظر دارد و به گونه تراویشی از لابه لای تعابیر قرآنی مشهود می‌گردد، که با مرور زمان و پیشرفت دانش و قطعیت یافتن برخی نظریه‌های علمی، پرده از این اشارات‌ها برداشته می‌شود و دانشمندان با پی بودن به این حقایق، قرآن را از دیدگاه اعجاز مورد ستایش و پذیرش قرار می‌دهند.
در این شماره از نشریه به بررسی سه مورد دیگر از اعجاز علمی قرآن می‌پردازیم:

خوش می‌دهد نشنان جمال و جلال بار
خوش می‌کند حکایت عز و وقار دوست

۳. کوه‌ها

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَابِيَّاً أَنْ تَمِيدَ بُكْمٌ وَأَنْهَاراً وَسُبُّلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (تحل ۱۵) و در زمین کوه‌های ثابت و محکمی افکند تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد و نهرها ایجاد کرد و راه‌هایی تا هدایت شوید.

نکته علمی: از نظر علمی ثابت شده است که کوه‌ها از ریشه به هم پیوسته‌اند و همچون زرهی کره زمین را در بر گرفته‌اند و این سبب می‌شود که از لرزش‌های شدید زمین که بر اثر فشار گازهای درونی هر لحظه ممکن است رخ دهد تا حد زیادی جلوگیری شود. از این گذشته وضع خاص کوه‌ها مقاومت پوسته زمین را در مقابل جاذبه ماه (جزر و مد) زیاد می‌کند و اثر آن را به حداقل می‌رساند. کوه‌ها از قدرت طوفان‌های شدید و حرکت دائمی بادها بر پوسته زمین می‌کاهند: چرا که اگر کوه‌ها تبدیل شد و هم اکنون نیز سیلاب‌ها قسمتی از آنها را در خود حل کرده، به دریا می‌ریزند. اما خاک‌های جدیدی که به وسیله برف و باران مجدد تشکیل می‌شود، جای آن را می‌گیرد و گزنه انسان گرفتار کمبود خاک زراعتی می‌شد. به این ترتیب، آیه اشاره به یکی از معجزات علمی قرآن است که نشان می‌دهد اول باران‌ها فرو می‌بارند و سپس زمین‌ها شکافته می‌شوند و آماده زراعت می‌گردند. نه تنها در روزهای تختست این عمل صورت گرفته که امروز نیز ادامه دارد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۴۸ / ۲۶)

۱۸۲ / ۱۱ (همان).

۲. آماده شدن زمین برای زراعت به وسیله باران

فَلَيَنْظُرُ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ أَنَا صَبَّيْتَا الْمَاءَ صَبَّأْتُمْ شَفَقَنَا الْأَرْضَ شَقَّا فَأَنْبَسْتَا فِيهَا حَبْبًا وَعَنْبَأْتَا وَقْبَبَا (عبس ۲۸-۲۴) و انسان باید به غذایش نظر کند: که ما آب را با بارشی فرو ریختیم؛ سپس زمین را کاملاً شکافتیم؛ و در آن دانه‌ها (رویاندیم؛ (تیز) انگور و سبزی.

نکته علمی: در آغاز، سطح زمین را قشر عظیمی از سنگ ها پوشانده بود. باران‌های سیلابی پی در پی فرو باریدند و سنگ‌هارا شکافتند. ذرات آن را جدا کردند و در قسمت های گود زمین گستردند و به این ترتیب توده خاک قابل زراعت تشکیل شد و هم اکنون نیز سیلاب‌ها قسمتی از آنها را در خود حل کرده، به دریا می‌ریزند. اما خاک‌های جدیدی که به وسیله برف و باران مجدد تشکیل می‌شود، جای آن را می‌گیرد و گزنه انسان گرفتار کمبود خاک زراعتی می‌شد. به این ترتیب، آیه اشاره به یکی از معجزات علمی قرآن است که نشان می‌دهد اول باران‌ها فرو می‌بارند و سپس زمین‌ها شکافته می‌شوند و آماده دهیم، سبب تنگی نفس و کمبود اکسیژن سبب بیهوشی می‌گردد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۴۸ / ۲۶)

۱. رقيق تر بودن هوا در ارتفاعات

فَمَنْ يُرِدَ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَ يَسْرِخَ صَدَرَةً لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدُ أَنْ يُفْلِهَ يَجْعَلُ صَدَرَةً ضَيْقَةً حَرَجَّاً كَائِنًا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّحْمَنُ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (اعلام آیه ۱۲۵) و هر کس را که خدا بخواهد راهنمایی اش کند، سینه اش را برای (پذیرش) اسلام می‌گشاید و هر کس را که بخواهد (به خاطر اعمالش) در گمراهی اش و انهاد، سینه‌اش را تنگ می‌کند، گویا می‌خواهد در آسمان بالا برود؛ این گونه خدا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد.

نکته علمی: امروزه ثابت شده که هوای اطراف کره زمین در نقاط مجاور این کره کاملاً فشرده و برای تنفس انسان آماده است، اما هر قدر به طرف بالا حرکت کنیم، هوا رقيق‌تر و میزان اکسیژن آن کمتر می‌شود به حدی که اگر چند کیلومتر از سطح زمین به طرف بالا (بدون ماسک اکسیژن) حرکت کنیم، تنفس کردن برای ماه را لحظه مشکل و مشکل تر می‌شود و اگر به پیش روی ادامه دهیم، سبب تنگی نفس و کمبود اکسیژن سبب بیهوشی می‌گردد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۴۸ / ۲۶)





کره کشانی

صفوان در محضر امام صادق نشسته بود. ناگهان مردی از اهل مکه وارد مجلس شد و گرفتاری که برایش پیش آمده بود را شرح داد. معلوم شد موضوع کرایه ای در کار است و کار به اشکال و بن بست کشیده است. امام به صفوان دستور داد: «فُسُورا حرکت کن و برادر ایمانی خودت را درگارش مدد کن». صفوان حرکت کرد و رفت و پس از توفيق در اصلاح کار و حل مشکل، مراجعت کرد.

امام سوال کرد:
«چطور شد؟»
گفت:
«خداآوند اصلاح کرد.»

امام صادق(ع) فرمودند: «بدان که همین کار به ظاهر کوچک که حاجتی از کسی برآورده و وقت کمی از تو گرفت، از هفت شوط طوف دور کعبه محبوب تر و فاضل تر است.»

بعد امام صادق(ع) به گفته خود چنین ادایه داد:

«مردی گرفتاری داشت و به حضور امام حسن آمد و از آن حضرت استمداد کرد. امام حسن بلاfacله کفش‌ها را پوشید و راه افتاد. در بین راه به حسین بن علی رسیدند؛ در حالی که مشغول نماز بود. امام حسن به آن مرد گفت: «تو چطور از حسین غفلت کردی و پیش او نرفتی؟» گفت: «من اول می‌خواستم پیش او بروم و از او در کارم کمک بخواهم، ولی چون گفتند ایشان اعتکاف کرده‌اند و معذورند، خدمتشان نرفتم.» امام حسن فرمود: «اما اگر توفيق برآوردن حاجت تو برایش دست داده بود، از یک ماه اعتکاف برایش بهتر بود.»

منبع: کتاب داستان راستان – استاد مرتضی مطهری

ما دعای او را پذیرفتیم، و یحیی را به او بخشیدیم و همسرش را(که نازارا بود) برایش آماده(بارداری) کردیم، چرا که آنان(خاندانی بودند که) همواره در کارهای خیر به سرعت اقدام می کردند و در حال بیم و امید ما را می خواندند و پیوسته برای ما خاضع و خاشع بودند. (نبیا / ۹۰)

۳. از دیگر آثار امید به خداوند، زمینه ساز کوشش جهت رفع مشکلات است:

پسرانم بروید، و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا مایوس نشوید که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مایوس می شوندا (یوسف / ۸۷)

برخی از آیات لزوم همراهی بیم و امید را بیان کردند؛ راز لزوم بیم و امید این است که تقویت یک جانبی روح امید در انسان آفاتی در پی دارد؛ بر پایه روایتی، امید و بیم همواره باید توأم باشد تا انسان با داشتن امید از خطر و رود در زمرة کافران رهایی یافته و با دارا بودن بیم، خود را از مکر الهی در امان نبیند.

امام علی(ع) بیم و امید را به دو بالی تشبيه می کند که انسان با آن به سوی رضوان الهی پر می کشد و دو چشمی که به وسیله آن وعده های خدا را می بیند.

از مسائلی که درباره بیم و امید مطرح شده لزوم برابری این دو است؛ امام باقر(ع) می فرمایند: بنده مومنی نیست مگر اینکه دارد:

کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنه و مهربان است (بقره / ۲۱۸)

۱. از دیگر آثار امید به خداوند، زمینه ساز استجابت دعا و حلب موهبت های الهی است:

حرکت می بینند و به فرارسیدن روزی امید دارند که مقیمان و صالحان بر دنیا حکومت کنند.

۲. انسان های بهره مند از تعلیمات انبیاء و مومن به غیب برایش بارند که زندگی همراه با سعادت و خوشبختی و آزادی و عدالت در انتظار بشر است.

۳. انسان مادی که از تعلیمات پیامبران و غیب بهره های ندارند، ممکن است به آینده بشر بدین بن بوده و حتی احتمال دهد که زندگی بشر قبل از رسیدن به کمال خاتمه یافته و عمر جهان به پایان برسد. از این روز، شیعه با الهام از تعالیم نورانی مقصومین(ع) به فرارسیدن روزی امیدوار است که جهان با ظهور حضرت قائم(عج) از ظلم و بیداد رهایی یافته و از عدل و داد پر شود، زمین برکات خود را ظاهر کند و تهی دستی یافت نشود و این همان تحقق معنای سخن خداوند است که عاقبت از آن مقیمان است، چنان که باطل از بین رفتی و حق پایدار و ثابت است.

امید آثار فراوانی همچون آسانی، آمرزش، اجابت دعا، استقامت، اصلاح، ایجاد انگیزه، تلاش، مانع فساد و... دارد که به اختصار به توضیح چند اثر خواهیم پرداخت.

از آثار امید به رحمت و لطف خداوند، زمینه آمرزش گناهان از سوی او را در پی دارد:

کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنه و مهربان است (بقره / ۲۱۸)

۱. از دیگر آثار امید به خداوند، زمینه ساز استجابت دعا و حلب موهبت های الهی است:

بنابراین کسی که از گناهان پرهیز و به وظیفه خود عمل کرده و اسباب امید را فراهم کند، شایسته است به فضل الهی امید داشته باشد. امید در قرآن کریم به امور گوناگونی همچون امور دنیوی (همانند زمانی که حضرت موسی(ع) امید داشت انشی بیاورد تاخانواده خود را گرم کند)، امور معنوی (مانند امید به آخرت، امید به عفو الهی، امید به هدایت الهی، امید به وارد شدن به پیشست) و لقای خداوند تعلق گرفته است.

امید گسترده ای سیار وسیع دارد. همه انسان از انتظار تحقق امری محبوب و دلخواه، در قلب حاصل می شود، امید می گویند.

موضوع امید در سیاری از آیات قرآن کریم با مشتقات واژه «رجاء» و «عسى» مطرح شده است. همچنین بحث نالمیدی در فالب وارگانی همچون «یأس»، «قتوط» و «ابلانس» مطرح است.

یأس به معنای نبودن امید.

قطوط به معنای یأس شدید.

ابلانس به معنای یأس شدیدی که از سوء عمل شخصی ناشی شده و موجب حزن و اندوه می شود.

امید عامل حرکت انسان به سوی کمال است. برایه روایات، هر کس به چیزی امید داشته باشد، برای رسیدن به آن می کوشد.

انجام اعمال مناسب و پرهیز از منکرات نشانه امید است:

«فنن کان یرجو والقاء رتبه فلیععمل عملاً صلحنا ولا یترک بعبادة رتبه اخدا»

پس هر کس به لقای (رحمت) پروردگارش امیدوار است، باید نیکوکار شود و هرگز در پرسش خدایش، احمدی را با او شریک نگرددند» (کهف / ۱۱۰)





حضرت صالح، از پیامبران عرب و از فرزندان سام بن نوح، سومین پیغمبری که مردم را دعوت به توحید کرد. او پیامبر قوم نمود بود. آن‌ها در شمال مدینه ساکن و قبل از صالح نبی، بت برست بودند. در قرآن، ۹ بار به نام صالح از جمله در سوره‌های اعراف، هود و چند سوره دیگر اشاره و او را پس از نوح و هوه ذکر کرده است و او را به همان ترتیب که انبیاء و رسولان خود را می‌ستاید، متوجه است او را مانند سایر انبیاء (علیهم السلام) برگزیده و بر عالمیان برتری داده است. اما در تورات موجود، نامی از این پیامبر به میان نیامده است. حضرت صالح، ۲۸۰ سال عمر کرد و مدفن او، در قبرستان وادی السلام در نجف است.

حضرت صالح، در حدود ۱۶ سالگی به پیامبری می‌بود

شده و تا سن ۱۲۰ سالگی قوش را به توحید دعوت می‌کرد اما آن‌ها به دعوت او توجهی نمی‌کردند و دربرابر سفارش نبی که پرهیز از تعیت از اسراف کنندگان، کسانی که در زمین تباہی می‌نمایند و اسراف می‌کنند، پس؛ سرکشی کرده و نبی را دروغگو نمایندند.

ناقه صالح

صالح نبی به میان قومش رفت و به آنان چنین پیشنهاد کرد:

«من در شازده سالگی به سوی نزدیکشان بود، گفتند: «ما را به کنار این کوه ببر تا در کنار آن کوه درخواست خود را بگوییم». چون به پای کوه رسیدند، گفتند: «ای صالح! ما تقاضای خود را به همکنون نوبت داشتیم از خدا خواست خود را از من پرهیز کنند، تو را به پیامبری می‌بدیریم و از تو پیروی می‌کنیم و با همه مردم شهر از تو تعیت می‌نماییم».

صالح نبی فرمود: «آنچه می‌خواهید، تقاضا کنید».

آن‌ها با اشاره به کوهی که نزدیکشان بود، گفتند: «ما را به کنار این کوه ببر تا در کنار آن کوه درخواست خود را بگوییم». چون به پای کوه رسیدند، گفتند: «ای صالح! از پروردگار خود بخواه، هم‌اکنون برای ما از این کوه، ماده شتری قرمز رنگ و پرکر که ده ماهه باشد، بیرون آورد».

صالح نبی فرمود: «درخواست شما برای من بسیار بزرگ است، ولی برای پروردگارم آسان است». در

همان حال درخواست آنان را از خدا خواست؛ کوه

صدای مهیبی کرد و حرکتی در آن پیدا شد و ماده

شتری با همان اوصاف که می‌خواستند از کوه

خارج شد. وقتی که قوم نمود این معجزه عظیم را مشاهده کردند، به صالح پیامبر گفتند: «خدای تو

چقدر سریع تقاضای را اجابت کرد. از خدایت

بخواه، بجهاش رانیز برای مادر خارج سازد». صالح

پیامبر از خدا خواست و بجه شتری نیز از کوه

بیرون آمد و اطراف آن ماده شتر شروع به

چرخیدن کرد.

حضرت صالح در این هنگام با خطاب به آن هفتاد

نفر فرمود: «ای دیگر تقاضایی دارید؟» گفتند: «نه،

سپس به آن بست بزرگ خطاب کرد و فرمود:

«تقاضای مرا برآورده، ولی بست بزرگ جولی نداد».

ازین روز، به قوم نمود کفت: «بس چرا این بست

جواب مرانی دهد؟» گفتند: «از بست دیگر تقاضا کن!»

صالح نبی نیز تقاضای خود را بست دیگری

درخواست کرد، ولی باز جوابی نشید.

قوم نمود به بست هرا رو کردند و گفتند: «جرأ جواب

صالح را نمی‌دهید؟ ای صالح، کناری برو و اندکی ما را بابت هایمان به حال خود بگذار». صالح نبی به کناری رفت و آن مردم فرش هایی را که گسترشده و طرفهایی را که همراه اورده بودند، جمع کردند و خود بر روی خاک‌ها غلtíند و خطاب به بت‌ها گفتند: «اگر امروز جواب صالح را نهیدی، مارسوا می‌شون».

سپس به صالح نبی گفتند: «کنون بیا و درخواست کن». او پیش آمد و آنها را خواند، ولی باز هم پاسخی نشید.

صالح پیامبر به قوم فرمود: «ساعات اول روز گذشت خداست که شما را در آن نشانه و معجزه‌ای است و خداوند ان را برای شما معجزه قرار داده است و دلیلی بر صدق نبوت و دعوت من است. او را به حال خود و اگذارید تا در زمین خدا بچرخ و گیاه و علف بخورد. آسیبی به او نرسانید که عذابی زودرس، شما را فراخواهد گرفت». [۲]

در آیه شریقه دیگری خطاب به حضرت صالح آمده است: «ما ناقه را برای امتحان و آزمایش قوم می‌فرستیم و به مردم خبر ده که آب شهر باید در میان آنها تقسیم شود، یک روز از برای ناقه و یک روز برای اهالی شهر بشاشد و هر کدام از آنان باید در نوبت خود حضور باید و دیگری مزاحم او نشود». [۳]

هر روز که نوبت شتر بود، آب را می‌خورد و به

چای آن به همه مردم شیر می‌داد و هیچ کوچک و بزرگ و زن و مردی نبود که در آن روز از شیر آن شتر نخورد و چون روز دیگر می‌شد، مردم از آن آب استفاده می‌کردند و شتر آب نمی‌خورد.

اما با وجود تمام تأکیدهایی که حضرت صالح درباره مراقب از آن ناقه کرده بود، بزرگان قوم چون

وجود شتر را به عنوان نشانه‌ای الهی می‌دانستند که باعث بیداری مردم و گرایش آنان به حضرت صالح می‌شد؛ لذا گروهی از سرکشان قوم نمود که نفوذ دعوت حضرت صالح را مزاحم منافع خوبش می‌دیدند، توطئه‌ای برای از بین بردن ناقه چندند.

درنهایت تصمیم گرفتند از زیرکی زنان استفاده نمایند، به همین دلیل موضوع را با دختری زیبارو بنام صدوq، دخترخیبا درمیان گذانند و از او خواستندکه با حیله و تیرنگ نقشه‌ای برای صالح طرح نمایند. او نیز به جوانی به نام «صدع بن مهرچ» که عاشق بی‌قرارش بود، قول داد که اگر شتر صالح را بی‌کند، با او ازدواج خواهد کرد و این موضوع را پیرزنی به نام عیزه، به جوانی به نام «قدار بن صالح» نیز گفت و به او بادآور شد که اگر بخواهی این دختر زیبا را تصاحب کنی، باید شتر صالح را پی‌نمایی. آن جوان بترست بذریفت.

آن‌ها در خفا، به تکاپو برداخته و همه را از شتر صالح می‌هراسانند و می‌گفتند: شتر صالح باعث

حضرت صالح در این هنگام با خطاب به آن هفتاد

نفر فرمود: «ای دیگر تقاضایی دارید؟» گفتند: «نه،

سپس به آن بست بزرگ خطاب کرد و فرمود:

«تقاضای مرا برآورده، ولی بست بزرگ جولی نداد».

ازین روز، به قوم نمود کفت: «بس چرا این بست

جواب مرانی دهد؟» گفتند: «از بست دیگر تقاضا

کن!»

صالح نبی نیز تقاضای خود را بست دیگری درخواست کرد، ولی باز جوابی نشید.

قوم نمود به بست هرا رو کردند و گفتند: «جرأ جواب

باقی‌مانده، گواهی دادند که آنچه دیدیم حق است ولی قوم سخن آنان را تذیرفتند و اعجاز صالح را به عنوان جادو و دروغ پنداشتند، عجب آن که یکی از آن شف نفر نیز شک کرد و به گمراهن پیوست و همان شخص (به نام قدار) آن شتر را بی کرد و کشت. [۱]

ناقه صالح دارای ویژگی‌هایی بود که هر کدام می‌توانست قلوب مردم را جذب کند و باعث ایمان آنان به حضرت صالح شود، از این رو مخالفان سعی داشتند این معجزه را تابود کنند. آن ناقه عجیب‌ای عجیب، و حیوانی شگفت‌انگیز بود.

حضرت صالح به آن‌ها تذکر داد: «ای مردم این شتر خداست که شما را در آن نشانه و معجزه‌ای است و خداوند ان را برای شما معجزه قرار داده است و دلیلی بر صدق نبوت و دعوت من است. او را به حال خود و اگذارید تا در زمین خدا بچرخ و گیاه و علف بخورد. آسیبی به او نرسانید که عذابی زودرس،

شما را فراخواهد گرفت». [۲]

در آیه شریقه دیگری خطاب به حضرت صالح آمده است: «ما ناقه را برای امتحان و آزمایش قوم می‌فرستیم و به مردم خبر ده که آب شهر باید در میان آنها تقسیم شود، یک روز از برای ناقه و یک روز برای اهالی شهر بشاشد و هر کدام از آنان باید در نوبت خود حضور باید و دیگری مزاحم او نشود». [۳]

هر روز که نوبت شتر بود، آب را می‌خورد و به جای آن به همه مردم شیر می‌داد و هیچ کوچک و بزرگ و زن و مردی نبود که در آن روز از شیر آن شتر نخورد و چون روز دیگر می‌شد، مردم از آن آب استفاده می‌کردند و شتر آب نمی‌خورد.

اما با وجود تمام تأکیدهایی که حضرت صالح

درباره مراقب از آن ناقه کرده بود، بزرگان قوم چون وجود شتر را به عنوان نشانه‌ای الهی می‌دانستند که باعث بیداری مردم و گرایش آنان به حضرت صالح می‌شد؛ لذا گروهی از سرکشان قوم نمود که نفوذ دعوت حضرت صالح را مزاحم منافع خوبش می‌دیدند، توطئه‌ای برای از بین بردن ناقه چندند.

درنهایت تصمیم گرفتند از زیرکی زنان استفاده نمایند، به همین دلیل موضوع را با دختری زیبارو بنام صدوq، دخترخیبا درمیان گذانند و از او خواستندکه با حیله و تیرنگ نقشه‌ای برای صالح طرح نمایند. او نیز به جوانی به نام «صدع بن

مهرچ» که عاشق بی‌قرارش بود، قول داد که اگر شتر صالح را بی‌کند، با او ازدواج خواهد کرد و این موضوع را پیرزنی به نام عیزه، به جوانی به نام «قدار بن صالح» نیز گفت و به او بادآور شد که اگر بخواهی این دختر زیبا را تصاحب کنی، باید شتر صالح را پی‌نمایی. آن جوان بترست بذریفت.

آن‌ها در خفا، به تکاپو برداخته و همه را از شتر صالح می‌هراسانند و می‌گفتند: شتر صالح باعث

- منابع:**
- ترجمه تفسیر العیزان
 - كتاب قصص انبیاء نوشته احمد کریمی
 - [۱]-الكافی، ج. ۸، ص. ۱۸۵.
 - [۲]-هود، ۶.
 - [۳]-قمر، ۲۷ و ۲۸.
 - [۴]-اعراف، ۷۷.
 - [۵]-نمل، ۴۶.
 - [۶]-هود، ۶۵.
 - [۷]-هود، ۶۷ و ۶۸.
 - [۸]-هود، ۶۶.

آپینہ تمام نہای الہی

انسان شناسی بخش درخور توجهی از معرفت دینی را تشکیل می‌دهد. انسان شناسی دینی، از قدیمه‌ترین زمان‌ها تا زد جامعه بشری راهنمای آدمی در زندگی و رفشارش بوده است.

در دیدگاه اسلامی، انسان از ظلمت و شرافت بسیار بالایی برخوردار است و علی رغم باور خدام‌محوری در این دیدگاه، انسان نیز از طریق افاضه الهی، دارای اهمیت والای در میان سایر موجودات است. به طوری که خدای متعال، علم خاص به اسماء را به انسان تعلیم داده و صرفاً انسان را شایسته تعلم اسماء الهی می‌داند، نه فرشتگان و نه هیچ‌یک از موجودات عالم ماده را! اما، فرماید:

و تیز درباره موجوادات مادی زمینی، می فرماید آن ها برای انسان خلق شده اند. **قوّتی** خلق **لکم** مَا فی الْأَرْضِ **حَمِيعًا** (بقره/۲۹) او کسی است که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفریده است.

شرافت و عظمت انسان در نگاه اسلامی، آنقدر زیاد است که در جریان خلقت موجودات عالم، فقط در مورد خلقت انسان است که خدای متعال به خودش آفرین می‌فرماید:
 «**يَخْلُقُ النِّفَلَةَ عَلَىٰ فَخَلَقْنَا الْفَلَقَةَ مُضْعَفَةً فَخَلَقْنَا النَّفَلَةَ**
ظِيَاماً فَكَسَوْنَا الْفَطَامَ لَخْمَاتٍ أَنْشَأْنَا خَلْقاً أَخْرَى فَبِإِرْكَ اللَّهِ
أَخْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مومون/ آیه ۱۴)

«آتگاه نطفه را علقه و علقة را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان و سپس بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم، پس از آن خلقتی دیگر انشا نمودیم، آفرین بر قدرت کامل بهترین آفرینندۀ»

از این‌رو، شایسته است که به بعضی از نکات اساسی و بنیادی دیدگاه اسلام به انسان، اشاره گردد:

اصالت روح

قرآن کریم، گرجه پیدایش انسان اولیه (حضرت آدم (علیه السلام)) را از خاک و خلقت نسل او را از آبی پست می دارد و لی این امر به بدن انسان برخی گردد، اما حقیقت انسان به اعتقاد قرآن، همین بدن محسوس او نبوده، بلکه علاوه بر بدن، انسان دارای روح مجرد نیز می باشد و این روح در انسان، هویت اصلی انسانیت انسان را تشکیل می دهد به طوری که تمام سعادت‌ها و شقاوتها به همین روح باز می گردند.

«الذی أَخْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَةً وَتَدَأَّ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ»
(سجده آیه ۷) «آن خدایی که هر چیز را به نیکوتربن وجه خلقت کرده و آدمی را نخست از خاک (پست بدین حسن و کمال) بیافرید.»

«فَتَحَجَّلَ نَسْلَةً مِنْ سَلَالَةِ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» (سجده آیه ۸)

«تم جَلَّ نَسْلَهُ مِنْ سَلَالَةِ مَمَّا مَهِينٌ» (مسجده آیه ۸)
 «آن گاه خلقت زندگانی را از چنگیدهای از آب بی‌قدرت (و نطقه بی‌حس، مقرر گردانید).»
 (همین مضمون در آیات فراوان دیگری از جمله: اعراف، اعام و زمر تبیین آمده است).

رسیز مرد است»
«شم سوأة وتفخّق فيه من روجه وجعل لکم الشفاعة والنصر
والآخذة قلباً ما تشكرون»(سجده آیه ۹) «سیس آن (تطهیه جان) را
نیکو بیاراست و از روح(قدسی الهی) خود در آن بدمید، و
شما را دارای گوش و چشم‌ها و قلب‌ها(با حسن و هوش)
گردانید، باز بسیار اندک شکر و سیاس گزاری نعمت‌های
حیه، می‌گنند».

هویت از اوپی داشتن
آموزه دیگر اسلام در مورد انسان این است که انسان (مانند سایر موجودات عالم) هویتی از اوپی داشته و هیچ گونه استقلال ندارد. اندیشه‌مندان و فلاسفه اسلامی این حقیقت را به این صورت تبیین نموده‌اند که چون انسان و جمیع موجودات دیگر، مخلوق و معلول خدای متعال می‌باشند، هویت مستقلی از خودشان نداشته بلکه هویت حقیقی آنها هویتی تعلقی و ربطی نسبت به علت ایجادی آن‌ها می‌باشد.

زیرا هویت وجودی انسان، عین تعلق و ربط به خدای متعال می‌باشد و همان طور که در مفاهیم اخلاقی، شناخت یک مفهوم به همراه مفهوم دیگر میسر است، در اینجا نیز، شناخت انسان بدون شناخت خدای متعال، میسر نمی‌باشد. (مانند مفهوم سقف که بدون شناخت مفهوم کف قابل فهم نیست و یا مفهوم پدر که بدون شناخت مفهوم فرزند ممکن نمی‌باشد)

«گفتند: تو از هر عیب و نقصی منزه‌ی، ما را دانشی جز آنچه خودت به ما آموخته‌ای نیست، یقیناً تو بی که بسیار دانا و حکیمی». «قالَ يَا آدَمَ أَتَيْتُهُمْ بِأَنْسَابِهِمْ فَلَمَّا أَتَيْتُهُمْ بِأَنْسَابِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَفْلَمْ إِنِّي أَعْلَمُ عَنْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تَبَدَّلُونَ وَمَا كَنْتُمْ تَكْسُبُونَ»(بقره آیه ۳۴) «[خدا] فرمود: آیاد! فرشتگان را از نامهای آنان خبرده. پس هنگامی که نامهایشان را به فرشتگان خمر داد، [خدا] فرمود: آیا به شما تغفیم که من یقیناً نهان آسمان ها و زمین را می دانم، و به آنچه شما آشکار می کنید و به آنچه بنهان می دارید، دانایم؟ «وَإِذْ قَالَ لِلنَّاسَ كَمْ أَنْجَدُوكُمْ لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَيْهِسْ أَنِّي وَأَنْتُكُمْ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»(بقره آیه ۳۴) «[ویاد کن] هنگامی که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید، ایسرا سجده کردند مگر ابلیس که سر پیچید و تکبر ورزید و از کافران شد.» از طرفی، انسان در دیدگاه قرآنی، موجودی تصادفی و رها نیست. «أَخْسَبَتِ الْإِنْسَانَ أَنْ يَتَرَكَ سَدْيَ»(قیامت آیه ۲۶) «آیا انسان، گمان می کند بی هدف رها می شود؟» بالکه موجودی ارزشمند و برگزیده است.

صفات انسان در قرآن کریم به دو قسمت پسندیده و نتوهیده قابل تقسیم است. منشأ صفات پسندیده انسان، وجود نیزروی عظیم فطرت و فطرت‌گرایی اوست و منشأ صفات تاپسند انسان، طبیعت‌گرایی می‌باشد که باعث پیروی از هواهای نفسانی است.

در تتجهه موضوع انسان شناسی، یکی از اصلی‌ترین مسائل اسلامی است که در قرآن و روایات اهل‌بیت(ع) از زاویه‌های مختلف، مورد توجه قرار گرفته است. در واقع آنچه در نصوص اسلامی (متن قرآن و حدیث) درباره عقیده، اخلاق و عمل آمده، به گونه‌های مرتبط با موضوع انسان شناسی است.

منابع:
ویکی فقه دانشنامه حرم
ویکی نور دانشنامه تخصصی
پژوهشنامه معارف قرآنی دا
طباطبائی

در آموزه‌های قرآنی به مسئله بهداشت به عنوان یک شاخص مهم توجه شده است. از آنجا که هدف دین راهنمایی پسر برای دست یابی به سعادت، یعنی آرامش و آسایش در دنیا و آخرت است، به مسئله بهداشت در دو بعد جسمی و روانی توجه خاصی شده است. بی‌گمان در تکریش اسلام و قرآن، آرامش و آسایش از جایگاه خاصی برخوردار است. آرامش به ابعاد روانی پسر توجه می‌دهد و آسایش به ابعاد جسمی انسان نظری کند. آسایش در اینجا غیر از رفاه است. در آموزه‌های قرآنی از اطراف و رفاه به عنوان عامل بازدارنده از رشد و بالندگی فرد و جامعه پاد می‌شود و به جای آن از آسایش سخن به میان می‌آید. در این پخش، به مبحث سلامت روان از دیدگاه قرآن می‌پردازیم:

شفایبخش قرآن

وَتَنْزُلٌ مِّنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شَفَاءٌ وَّرَحْمَةٌ

لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الطَّالِبُونَ إِلَّا حَسْرَاءً

در این آیه نامیدی، کاری کفر امیر تلقی شده است، از این رو «یاس از رحمت الهی» از گناهان کبیرهای را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت ایجاد کرده است. نتایج یک آزمون نشان داد بیمارانی که باورهای مذهبی قوی داشتند و اعمال مذهبی را انجام می‌دانند، سبب پارسا و باتقوشدن است. (بقره ۱۸۷ و ۱۸۵-۱۸۳) در اردن داشتمندی به نام داراکه (۱۹۹۲) در یک برسی شناس داد که تعداد خودکشی در راه رمضان در مقایسه با ماههای دیگر سال کاهش مورد توجهی را نشان می‌دهد.

در پژوهش دیگری «تأثیر روزه‌داری بر وضعیت سلامت روانی» ۲۰۰ تغیر زن و مرد قبل و بعد از ماه مبارک رمضان باستفاده از پرسشنامه GHO^۱ از مدد و شدند

که بر اساس داده‌ها، روزه‌داری باعث کاهش علائم اضطرابی، بهبود در عملکرد اجتماعی و کاهش افسردگی شده است.

دعا و توکل و نیاز

«وَإِذَا سَأَلَكَ عَبْدِي عَنِّي فَأَنْسِي قَرِيبَةَ أَحِبِّيْتُ دَغْوَةَ الْبَدَاعِ إِذَا دَعَانِ فَلَيْشَتَجِبُوا إِلَى وَلِتُؤْمِنُوا بِي لَعْلَهُمْ يَرْشَدُونَ»

و هرگاه بندگان من، از تو درباره من پرسیدند (ایکو) من نزدیک، و دعای دعائی کشیده را به هنگامی که هرا بخواند - اجابت می‌کنم، پس (آنان) باید فرمان هرا گرفتند و به من ایمان، باشد که راه یابند». (بقره ۱۸۶)

لوای

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَفَوْةَ مِنْ ذُنُوبِ النِّسَاءِ بَلْ أَثْنَمْ قَوْمٌ مُّشَرِّفُونَ

شما از روی شهوت به جای زنان، با مردان در می‌آمیزید، اری، شما گروهی تجواذب کارید. (اعراف ۸۱)

استمنا (خدوارضایی)

قرآن کریم برای سالم‌سازی محیط جنسی اجتماع، حتی نگاه شهوت‌آمیز مردان به زنان و بالعکس را ممنوع اعلام کرده است. (تورا ۲-۲۰)

قرآن کریم که زمینه‌ساز انحراف جنسی است. قرآن جرا که زمینه‌ساز انحراف جنسی است. قرآن در مورده انحرافات جنسی، از گناهانی پاد می‌کند که در جامعه منفوراند؛ زیرا این انحرافات، جامعه ای را فاسد و بی‌حیا می‌کند و خوش و جشنی گری و غریزه و گشاد در انسان را زیاد می‌کند و انسان را از ادبیت و فکر دور می‌کند. این موضوع واضح است که روح و روان حیوانی می‌شود و از انسانیت دور می‌شود. برای همین، خدا می‌دارد. (عنکبوت ۴۵)

قرآن کریم بازها مسلمانان را به نماز فراخوانده می‌کند.

اعتقاد به معاد آثار سوء این عوامل را خنثی

نموده، نقشی اساسی در پیشگیری از بروز بیماری های روانی دارد و اعتقاد به وجود حیات پس از مرگ برای انسان‌ها، در مقابله با ناماکیمات

سفارش به «توکل» و «ذکر»، مانع از احساس تنهایی می‌شود. این پیشگیری اولیه، از بروز

فشارهای روانی جلوگیری می‌کند.

دوم: آنکه گاهی قرآن به درمان بیماری‌ها می‌پردازد که این خود پیشگیری تأویلی است؛

عنی هنگامی که جامعه‌ای گفتار فسد و گناه شد، «هی از نکر» را پیشنهاد، و یا «تویه» را

برای پاکسازی روح توصیه می‌شود، بخوانید. (مزمل ۲۰)

قرآن به کثرات مسلمانان را به قرآن خواندن فرا

می‌خواند (تحل ۹/۸۱، اسراء ۴۵) و از آن می‌خواهد

هنگامی که دیگران قرآن می‌خواستند، سکوت

کنند و به آن گوش فرا دهند.

به دامن اجتماع باز می‌گردد.

نقش ایمان در بهداشت روانی

«الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ تُبْشِّرُوا إِيمَانَهُمْ بِظَلَمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ»

گسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک

نیالوده‌اند، آن را راست ایمنی و ایشان راه یافتگانند. (انعام ۸۲)

ایمن آمده را از شاخص‌ترین آیات مربوط به

آرامش روانی است. آرامش، بهداشت روانی و

هدایت را از آثار ایمان برای شمارد. هنگامی که

ترس شدید بر جان انسان می‌افتد، تهبا با

ایمان به خداست که می‌تواند مقابله کند.

مفهومیت یاس و نامیدی در قرآن و تأثیر

أَمِيدَ در کاهش افسردگی

وَ لَا تَنْأِسُوا مِنْ زَوْجِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَنْأِسُ مِنْ زَوْجِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ

از رحمت خدا نومید مباشد، زیرا جز گروه کافران

کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود. (بیوف ۸۷)

در این آیه نامیدی، کاری کفر امیر تلقی شده است، از گناهان

کبیرهای را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت

کبیره به شمار می‌اید.

نتایج یک آزمون نشان داد بیمارانی که باورهای مذهبی

در این شادهنده دل‌ها معروفی شده:

يَا أَهْلَهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٍ مِّنْ رَبِّكُمْ وَ شَفَاءٌ لِّمَنْ يَرْجُو شَفَاءً

به یقین، برای شما از جانب پروردگار تان اندزیزی، و

درمانی برای آنچه در سینه‌هایت، و رهمند و رحمتی

برای گروه‌گانی به خدا آمدید است. (بیونس ۵۷)

این در حالی است که قرآن در کنار شفا، مایه‌ی هدایت

نیز داشته شده:

قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدٰيٌ وَ شَفَاءٌ

بگو: برای گسانی که ایمان آورده‌اند، رهمند و

درمانی است. (فصلت ۴۴)

مقدود از «شفای قرآن»، تجات از احتطاط و

سقطوت مادی با معنوی است که به وسیله‌ی

هدایت انجام می‌پذیرد.

قرآن به طریق جان‌های آدمیان را شافی است:

اول: اینکه گاه قرآن از بیماری‌های روحی،

اخلاقی و اجتماعی جلوگیری کرده، بدین طریق

بهداشت روانی انسان را تأمین می‌کند؛ و با

مرگ برای انسان‌ها، در مقابله با ناماکیمات

ناشی از مرگ و داغدیدگی تقش سیار مهمی

دارد. همچنین اعتماد به معاد، انسان را از نامیدی

- که یکی از علائم محوری افسردگی است -

فصون می‌دارد.

دوم: آنکه گاهی قرآن به درمان بیماری‌ها می‌کند.

پردازد که این خود پیشگیری تأویلی است؛

عنی هنگامی که جامعه‌ای گفتار فسد و گناه

شده باشد، این خود پیشگیری اولیه است.

قرأت قرآن و تأثیر آن در کاهش اضطراب

فَأَفْرَوْا مَا تَبَشَّرُ مِنْ الْقُرْآنِ

هرچه از قرآن میسر نمی‌شود، بخوانید. (مزمل ۲۰)

قرآن به کثرات مسلمانان را به قرآن خواندن فرا

می‌خواند (تحل ۹/۸۱، اسراء ۴۵) و از آن می‌خواهد

گناهکار پس از توبه، برای بیان راه یافتگانند.

گناهکار پس از توبه، برای مقابله با فشار روانی

به دامن اجتماع باز می‌گردد.

ضامن رستگاری آدمی



(بقره ۷۸ و ۷۹؛ اسراء ۱۰ و ۱۱)؛ ایمان به ذکر و دوری از گناهان می‌داند. (طه ۱۴) نماز نوعی دعای سامان یافته است که مسلمانان موظفاند روزی آنچه گفته شد، این را تأثیرات آنها در آرامش روانی انسان مشهود دارد. درست و با روح و روان قدرتمند که ناما لایمت های دنیا تأثیر بر او نمی‌گذارد، می‌باشد.

مفهومیت خودکشی

«وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَكُمْ»

(عنکبوت ۲۹)

و خودتان را مکشید.»

خودکشی، گناه کبیرهای است که انسان را به دوزخ می‌کشند. قرآن بازدارنده خودکشی هاست.

آمارهای دقیق در همه جهان یک مطلب را به روشنی ثابت می‌کند که میان خودکشی و دوری

از مذهب رابطه قوی وجود دارد.

قوانین کنترل کننده شهوت برای تأمین بهداشت روانی

شهوت یکی از نعمت‌های الهی است که در

وجود انسان نهاد شده؛ به گونه‌ای که اسناد

معتمد و صحیح از آن، موجب بقای انسان

می‌شود، اما زیاده‌روی در آن، عوارض سوء

جسمانی و روانی دارد. قرآن کریم با انسان دادن

راه صحیح استفاده از نیزه، زبان و مردان را

به ازدواج تشویق کرده است. (تورا ۲۷)

از جمله این انحرافات جنسی عبارتند از:

زنای

«الْأَرْبَيْةُ وَ الْأَرْأَسُ فَاجْلَدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا

مائنة جلدة و لا تأخذنَمَنْ بِهِمَا رَأْفَةً فِي

دِينِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ إِنْ كَشَّنْتُمْ نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ إِنَّهُمْ

الْأُخْرَ»

«بِهِ هر زن زنگار و مردان را

دل سوزی نکشید.»

لوای

«إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَفَوْةَ مِنْ ذُنُوبِ النِّسَاءِ بَلْ أَثْنَمْ قَوْمٌ مُّشَرِّفُونَ

شما از روی شهوت به جای زنان، با مردان در

مل ۵۵، عنکبوت ۲۹)

استمنا (خدوارضایی)

قرآن کریم برای سالم‌سازی محیط جنسی اجتماع، حتی نگاه شهوت‌آمیز مردان به زنان و

بالعکس را ممنوع اعلام کرده است. (تورا ۲-۲۰)

قرآن کریم که زمینه‌ساز انحراف جنسی است. قرآن

در مورده انحرافات جنسی، از گناهانی پاد می‌کند

که در جامعه منفوراند؛ زیرا این انحرافات،

جامعه ای را فاسد و بی‌حیا می‌کند و خوش و جشنی

گری و غریزه و گشاد در انسان را زیاد می‌کند و

انسان را از ادبیت و فکر دور می‌کند. این

موضوع واضح است که روح و روان حیوانی

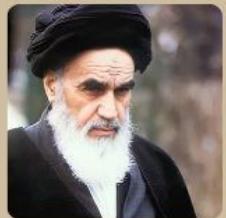
شود و از انسانیت دور می‌شود. برای همین، خدا

با افراد آلووده به این گناهها با خشم صحبت

می‌کند.



در دوران جنگ تحمیلی، هنگامی که رژیم بعثت با حمایت آمریکا از سلاح‌های نیمه‌بازی علیه ایران استفاده می‌کسرد، ادواردو آیلیس به ملاقات پسی از مقامات عالی رتبه کاخ سفید رفت و نسبت به اقدامات آمریکا انتراض کرد و علت دشمنی آمریکا با ایران را جویاشد. آن‌ضام آمریکایی به روبرو اشاره کرد. ادواردو می‌گفت: «بدم عکس امام خمینی را روی دیوارو به صورت سیل نصب کرده و آن را صوره هدف قرار می‌دهم». آن‌ضام کاخ سفید گفت: «بود تا این مرد (امام) را از میان بروندارم، آرام ننمی‌شوم».



در فروردین سال ۱۳۶۰ با امام خمینی (ره) دیدار کرد و بعد از این که امام در آن دیدار پیشانی اش را بوسیده بود، به عنوان یکی از پیشین خاطرات زندگی‌اش باد کرد و بود و می‌گفت: «احساس می‌کردم انسان صالحی را که فرق آن توبیخ می‌کند، در چهار امام منجلی است».

درباره‌ی کتاب: رمان ۳۲۰ صفحه‌ای ادواردو، از انتشارات عهد مانا، رمان جالب است به لحاظ ساختار و به لحاظ معنا، گویی پرونده‌ی کاملی از مجرای قتل یک نفس است. این رمان به نویسنده‌ی آقای بهزاد دانشوری اولین بار در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است.

این داستان در سه خط روایت می‌شود: خط اول، خود ادواردو است، خانواده‌اش، دوستانش، سلمان شدن، اتفاقاتی که برایش می‌افتد و ظلم‌هایی که می‌باشد. خط دوم داستان، جریان مستندسازان ایرانی است که برای کندوکار جریان ادواردو به ایتالیا سفر می‌کنند و اتفاقاتی برای شان می‌افتد. جریان سوم داستان هم، جریان خرگزار ایتالیایی است که در فرنگ خود و ستر زندگی خود به ذیل حقیقت جریان می‌گردد. این سه خط در هم تبیه می‌شوند و تا پایان داستان به هم می‌رسند.

در پخش از کتاب می‌خوانیم: «ادواردو یک مرد عادی نبود. او یک قدیس بود. شب‌ها از اتفاق‌های مسی اواز زیبایی می‌آمد به صوص نیمه‌شب‌ها. بعضاً شب‌ها که از دست کارلو داغور بودم، یک رفته‌ی نشستم بشیت در اتفاق، به آوازش گوش می‌دادم. نی‌فهمیدم چه می‌خواند. فقط دلم می‌خواست بشنینم و به آوازش گوش بدهم. یک شب که روزش از کارلو تک گوش بدhem. یک شب که چراگریه موقع دیدم کنارم نشسته، پرسید که چراگریه می‌کنم. فکر کردم بفهمد به آوازش گوش می‌کرده ام، عصبانی می‌شود. زبان بند آمده بود. دستم را گرفت و من را برد توی اتفاق، فقط چند ناشمع روشن بود. یک کتاب هم روی تخش بود. برایش از کارلو گفتم، از این که خرج من و بجهمان از نمی‌دهد. می‌رود این قدر می‌خود که می‌ست می‌افتد یک گوشه. تازه این پیشین حالتش است. چون اگرست بیاید تانه، من را زیر گنك می‌گیرم. برایش گفتم که تهها دلخوشی ام همین است که شب‌ها بیایم و به آوازش گوش بدhem».

ادواردو آیلیس فارغ التحصیل رشته‌ی فلسفه و ادبیات شرق در مقطع دکتری از دانشگاه پرینستون آمریکا، پسر سناخور جیوانس آیلیس و تنها برادر تنروت افسانه‌ای خانواده‌ی پادشاهی ایتالیا بود. البته این ارتقای به یک شرط به او می‌رسید و آن شرط این بود که برای رسیدن به این نتیجه بزرگ ایشان را انتداش و اتفاقاً دست می‌کشید. در واقع او دو گزینه پیش رو داشت: این ثروت و دنیا و دیگری اندیشه و باورش، اما برای ادواردو مانند بر سر اندیشه و باواری که پس از سال‌ها تحقیق به آن رسیده بود. روایی ترین ثروت بود. پس او اندیشه و باورش را انتخاب کرد.

گرویدن ادواردو به اسلام؛ ادواردو شرح مسلمان شدنش را چنین می‌گوید: در نیویورک که بودم، یک روز در کتابخانه قدم می‌زدم و کتاب‌های را نگاه می‌کردم، چشم افتداد به قرآن. تکچگاوشدم که بینیم در قرآن جه جزی آمده است. آن را برداشتم و شروع کردم به ورق زدن و آیاتش را به انگلیسی خواندم، احساس کردم که این کلمات، کلمات نورانی است و نمی‌تواند گفته بشر باشد. خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم. آن را مخصوص نیمه‌شب‌ها. بعضی شب‌ها که از دست کارلو داغور بودم، یک رفته‌ی نشستم بشیت در اتفاق، به آوازش گوش می‌دادم. نی‌فهمیدم چه هم برایشان سازیم؟ ادواردو وارد سهایم اصلی چندین شرکت سازی فیات، مازراتی، فراری، الیورگینی، لاجیا، آلفارمو و ایویکو و چندین شرکت طراحی و امانت می‌باشد. چند تا خانه و ولایت لوکس می‌خواهد؛ اصلاده دست داردید یک جزیره اختصاصی هم برایشان سازیم؟ ادواردو وارد سهایم اصلی چندین شرکت سازی و راه‌سازی بود. رقبالی هم که بنایید ولی باز هم نمایشی بازی‌های بیوتوس از جایگاه وزشگاه، خالی از لطف نیست. قبول دارید که واقع‌نمی‌شود از آن به راحتی گذشت؟ ادواردو وارد باشگاه بیوتوس و باشگاه اتوموبیل‌سواری فراری بود. روزنامه‌های پر تیاز کوریره دلاسرا و لاستامپا را هم به از از می‌برد. وارد سهایم عصده‌ی شرکت‌های ساخت تجهیزات پردازشی و هلیکوپترسازی نیز بود. از هر چه بگذریم، از صد میلیون یورو نگذریم. هر چه باشد پیول، پیول می‌ورد. می‌شود دوباره همه‌ی آن ماشین‌ها و خانه‌ها درآمد سالانه شصت میلیارد دلار (تا آن زمان یعنی سه برابر درآمد نفتی ایران) بود.

تصویر کنید شما برنده‌ی خوششان یک دستگاه اتوموبیل لامبورگینی، مازراتی و فراری سال شده‌اید. همچنین سفری به مدت دلخواهتان به سراسر ایتالیا و اقامت در پیشین اتاق‌های مجلل ترین هتل‌های ایتالیا برای شما در نظر گرفته‌ایم. علاوه بر این ها شما می‌توانید هر چند دست بسیار از پیشین مارک‌های جهان که اتفاقاً ایتالیایی هستند، سفارش دهید تا برایتان نهیه شود. یک خانه‌ی مجلل در هر جای ایتالیا که بخواهید برایتان خواهیم ساخت. در ضمن یک صندلی در جایگاه اختصاصی وزشگاه‌های ایتالیا برای تعاشای بازی‌های این‌جاها را ایجاد کنید.

ادواردو آیلیس؛ شیعه تک است؛ چیزی دارد که سایر ادیان ندارند و آن واصلتی به ولایت اهلیت است، اهلیتی که هر کدامشان تک و بدون مشابه هستند، رهمناران اصلی دارد، اقسام علی (علی‌الله‌السلام) اتر از همه می‌شوند، مسخنام بسازی که دارد بگذریم، همین که ای باسیر بودند، مسلمان بعد از بیاپس بودند، برای ولایت و پیروی کنایت می‌کند.

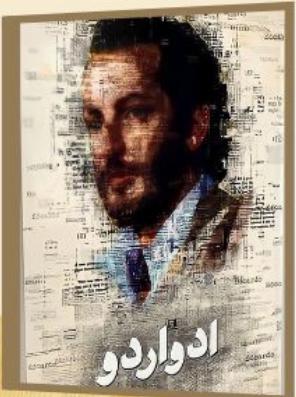


ادواردو آیلیس؛ شیعه تک است؛ چیزی دارد که سایر ادیان ندارند و آن واصلتی به ولایت اهلیت است، اهلیتی که هر کدامشان تک و بدون مشابه هستند، رهمناران اصلی دارد، اقسام علی (علی‌الله‌السلام) اتر از همه می‌شوند، مسخنام بسازی که دارد بگذریم، همین که ای باسیر بودند، مسلمان بعد از بیاپس بودند، برای ولایت و پیروی کنایت می‌کند.



در ایتالیا شهری بود که به عنوان مرکز مذهبی شناخته می‌شد، کسانی که مخالف آن مکان مذهبی بودند، کوئی‌بندن با بدید آوردن تربیعگاه‌های بسیار پیرامون شهر، چهاره شهور را دیگر گشون گند؛ شما مراقب باشید که مشهد را نهاده باشید امام رضا (علی‌الله‌السلام) بشناسند. این سخن را شوید ادواردو آیلیس در سفری که به مشهد مقدس داشت با مشاهده تربیعگاه‌های بسیار در شنیده به دوستانش تذکر داد.

یک فنجان کتاب





Edit by:Reyhane chachi